

چگونه توانستیم دانش آموزم که ناتوانی جسمی داشت کمک کنم؟

سعیده رزاقی

۱. ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، واحد آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر ری، کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی - گردشگری - دانشگاه علم و فرهنگ، گروه علوم تربیتی، ایران 76077697s@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: معلمان باید با تکیه بر توانایی دانش آموزان، برنامه ریزی مدونی را در جهت به حداقل رسانیدن موانع طراحی نمایند تا بواسطه آن فرصت های لازم در جهت رشد توانایی های دانش آموزان فراهم سازند. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی^۱ است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش ناتوانی های جسمانی برنگرش خود فرد و دیگران مانند والدین، خواهران و برادران، همسالان، معلمان و... نسبت به بیمار تاثیر می گذارد. تاثیر ناتوانی در برخی از جنبه های اجتماعی، تحصیلی و روانی قابل ملاحظه است. برای مثال کودکان و نوجوانانی که مدت قابل توجهی را به علت استفاده از خدمات و مراقبت های پزشکی از خانه و مدرسه دور می مانند، فرصت کمتری برای ایجاد دوستی ها، حضور در رویدادهای اجتماعی و رشد مهارت های اجتماعی دارند. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که بطور کلی کودکان دارای مشکلات جسمی حرکتی به دلیل مشکلاتی که در قوام عضلانی، اختلال بینایی، اختلال شنوایی، اختلالات تکلم، اشکالات ارتوپدی (وجود دفرمیتی)، ناهنجاری های دهانی و عدم تطابق دندانی، اشکالات درکی و عاطفی، اشکالات رفتاری، رفلکس های غیرطبیعی، الگوهای غلط و وضعیت بدنی غیر عادی، اختلالات حسی، ضعف در تصور بدنی دارند، موانعی را در امر آموزش تجربه می کنند که این موضوع به نحوی عزت نفس و اعتماد به خود و رفتارهای مناسب هیجانی و اجتماعی را در آنان کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: دانش آموز، ناتوانی جسمی، عزت نفس، اعتماد به خود، ناهنجاری.

^۱ analytic-descriptive

مقدمه

علم از آن نقطه و آن زمان آغاز شد که بشر به فکر حل مسائل مختلف زندگی افتاد. به عبارت دیگر، تاریخ تولد بشر است. بشر اولیه برای حل مسائل و مشکلات خود از ابتدایی ترین مرحله شروع کرد و به کمک برخی از روابط تجربی قادر شد پیرامون خویش را کم و بیش بشناسد و بدین طریق پیچ و تاب و فراز و نشیب هستی آگاه شد [۱]

یکی از این علوم، علم روانشناسی است. منظور از روانشناسی، علاوه بر پیشرفت علمی و صنفی بهبود بخشیدن به زندگی انسان نیز هست. این علاقه روزافزون روانشناسان به مسائل روزمره و علمی بشر، موجب شده است که دانش ما در افراد، به ویژه کسانی که دچار مشکلات روانی هستند، به طور قابل ملاحظه ای افزایش یابد. عدم سازش و وجود اختلالات رفتار در جوامع انسانی بسیار مشهود و فراوان است.

در هر طبقه و صنفی و در هر گروه و جمعی، اشخاص نامتعادلی زندگی می کنند. بنابراین در مورد همه افراد، اعم از کارگر و دانش پژوه، پزشک و مهندس، زارع، استاد دانشگاه و غیره، خطراتی به ناراحتیهای روانی وجود دارد. به عبارت دیگر هیچ فرد انسانی در برابر امراض مصونیت ندارد [۲].

رفتار کم رویی و انزوا طلبی و عدم مشارکت در فعالیت های گروهی، یکی از رفتارهای نسبتاً شایع است که فرد را به شدت آزار می دهد و اگر درمان نشود فرد را به سمت و سوی مشکلات دیگری مثل عدم اعتماد به نفس، افسردگی، اضطراب و زود رنجی سوق خواهد داد. عدم احساس توانمندی و کمی عزت نفس و نیز ناتوانی در بروز احساسات، بیان افکار و نظریات، خود باعث جدایی فرد از فعالیت های گروهی است.

گوشه گیری از نظر لغوی به معنای تنها و مجرد و در خلوت نشستن و از جمع کناره گرفتن است. گوشه گیر کسی است که از مردم دوری می کند و عزلت می گزیند و بدان وسیله خود را با محیط اطراف سازگار می سازد، البته هر نوع عزلت و در تنهای ماندن گوشه گیری تلقی نمی شود هر انسان گاه گاهی دوست دارد تنها باشد تا به خود شناسی و حل مشکلات زندگی بپردازد گوشه گیری زمانی حالت بیماری پیدا می کند که فرد از آمیزش با جمع و هممنوعان بیزار و بیمناک باشد در این مورد اگر گوشه گیری بموقع درمان نشود به پیدایش حالات روانی شدید و افسردگی منجر می شود. [۳]

کم بود محبت در خانواده می تواند یکی از علل بروز کم رویی باشد که توجه به به کودک و بر طرف کردن خواسته های او هم چنین تشویق و مورد مشاوره قرار دادن می تواند در درمان این نقیصه کمک کند. همچنین یکی دیگر از دلایل ممکن است مربوط به مشکلات و معلولیت های جسمی یا حرکتی باشد که دانش آموز مورد مطالعه من از این معطل رنج می برد [۴].

در جلسه مشاوره معلم با اولیا که در هفته اول مهر ماه برگزار می گردد متوجه مردی شدم که در گوشه حیاط جدا از بقیه ایستاده از همان روز نظر من را به خود جلب کرد. از خود با تعجب سوال کردم چه طور شده یک مرد در جلسات اولیا آمده است؟! (حضور پدران در جلسات مشاوره معلمان آنقدر کم رنگ شده است که حضور گاه به گاه یک پدر مورد تعجب واقع می شود)

مشکل مهسا عدم اعتماد به نفس و گوشه گیری و انزوا طلبی و عدم شرکت در فعالیت های کلاسی بود، که به خاطر مشکل جسمی و چند عامل دیگر در وی شکل گرفته بود. پدرش چندین بار مراجعه کرده بود و از افت تحصیلی و بی علاقه ای او در انجام تکالیف صحبت کرده بود و از اینکه علاقه ای ندارد که با سایر دانش آموزان دوست شود و همیشه توی لاک خودش است، نگران بود و خواستار حل مشکل دخترش شده بود.

حس انسان دوستان و مقتضیات شغل اینجانب ایجاب می کرد که نسبت به حل این مشکل باید احساس وظیفه نموده و تمام سعی و فکر خود را بکار انداخته تا مشکل این دانش آموز را حل کنم.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودند از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام

های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

بیان مسئله

ناتوانی های جسمانی می توانند بر توانایی حرکت فرد، استفاده کارآمد از دست ها و پاها، بلعیدن غذا و تنفس اثر بگذارد. همچنین این نوع ناتوانی ها می توانند بر شناخت، گفتار، زبان، بینایی، شنوایی و کنترل روده تاثیر گذارد. بنابراین هر قدر اطلاعات ما به عنوان معلم، والدین و برنامه ریزان در خصوص معلولین جسمی حرکتی بیشتر باشد، توانایی بیشتری برای بهره گیری از خدمات پزشکی، آموزشی و اجتماعی خواهیم داشت. ناتوانی های جسمانی می تواند به شکل فلج مغزی، شکاف ستون فقرات، آسیب های نخاعی و پلاستیسیته عضلانی دیده شود، فلج مغزی شایع ترین نوع آسیب در این دانش آموزان می باشد. معلولین جسمی حرکتی از لحاظ فراوانی یکی از کوچک ترین و در عین حال متفاوت ترین گروه ها در میان کودکان استثنایی هستند. در بین معلولین جسمی - حرکتی شیوع فلج مغزی در حدود ۴ تا ۵ در ۲ هزار تولد زنده است. این ارقام با توجه به متغیرهای گوناگون متفاوت است. برای مثال برخی کودکان با شکل های شدیدی از فلج مغزی به دنیا می آیند و نمی توانند ادامه بدهند و شیوع تولدهای زنده این کودکان را که می میرند در بر نمی گیرد. برخی از این کودکان نیز ممکن است چند ماه یا چند سال بعد از تولد تشخیص داده شوند. تصادفات، حوادث، مسمومیت ها، بیماری های مزمن و عوارض ناشی از آنها، عوامل ژنتیکی، سوء تغذیه مادر، سن بالای مادر، دارو، اشعه، استعمال دخانیات و... می توانند سبب بروز نوعی نارسایی حرکتی در فرد شوند. فلج مغزی نیز علل گوناگونی دارد، هر عاملی که بتواند بر مغز اثر بگذارد می تواند موجب فلج مغزی شود. عوامل گوناگونی همچون بیماری های حاد، کمبود اکسیژن مغز، تولد زود رس، عفونت مادری، ضربه حین تولد، ناسازگاری خون، عفونت جنین و عفونت پس از تولد همگی می تواند موجب این اختلال عصب شناختی - حرکتی شود. دانش آموز مورد مطالعه در این اقدام پژوهی هم از مشکل مشکل جسمی رنج می برد که باعث گوشه گیری و عدم اعتماد به نفس و عدم مشارکت در فعالیت های کلاسی در وی شده بود.

توصیف وضعیت موجود (تشخیص مسئله)

اینجناب سعیده رزاقی در اداره آموزش و پرورش ناحیه یک شهری مشغول خدمت هستم. در سال تحصیلی اخیر در میان دانش آموزانم با موردی برخورد نمودم که دچار مشکل جسمی بود و همین موضوع باعث شده بود که وی منزوی و گوشه گیر شود و اعتماد به نفس پایینی داشته باشد و در فعالیت های کلاسی شرکت نکند. در درس ها ضعیف عمل کند او با دوستانش نمی جوشید و سرش همواره پایین و در ردیف یکی مانده به آخر کلاس نشسته بود. مهسا را از وقتی شناختم و به رفتار او حساس شدم که، پدرش برای شرکت در جلسه مشاوره به دعوت معلم به دبستان آمده بود او تنها مردی بود که در گوشه حیاط جدا از بقیه ایستاده بود. در این اقدام پژوهی من تصمیم گرفتم مشکل مهسا را برطرف نموده و او را به فعالیت های کلاسی علاقه مند سازم. مشکلات درسی وی را بهبود بخشیم.

گردآوری اطلاعات (شواهد یک)

از روشهای مشاهده، مصاحبه برای جمع آوری اطلاعات در این پژوهش در شواهد یک و دو استفاده شده است.

۱-۱- مشاهده:

در اینجا با مشاهده رفتار مهسا و عدم همکاری و مشارکت در کلاس هدف اقدام پژوهی زیر محیا گردید. و تصمیم گرفته شد بر روی این مسئله کار شود.

۱-۲- مصاحبه :

برای حل مشکل او می بایست از شرح حال زندگیش اطلاع پیدا می کردم . گوش دادن به درد دل پدری که نگرانی از آینده فرزند دلبندهش در چشمانش برق می زد و خودش داوطلبانه پیش قدم شده بود بهترین گزینه برای گرفتن اطلاعات بود. لذا کارم را با مصاحبه از پدرش شروع کردم .

۱-۳- پرسشنامه :

پرسشنامه ای در بین همکاران تقسیم شد و درباره چگونگی هماهنگ کردن دانش آموز مورد نظر در فعالیت های کلاسی سوال شد که همکاران با دقت به این موضوع جواب دادند.

انتخاب راه حل های ممکن

معلمان و والدین در رفع مشکلات کودکان گوشه گیر نقش بسزایی دارند و با صمیمیت و محبت باید به تمام تغییرات رفتاری مناسب و موفقیت آمیز آنان توجه کرده ، آنان را تشویق کنند و بدین وسیله کودکان را به سوی فعالیتهای اجتماعی سازنده در مدرسه و خانه راغب سازند . بردن به گردشهای علمی ، تشویق به سخن گفتن در حضور والدین و دوستان و بستگان و جرات دادن به او بدین معنی که می تواند در برابر جمع سخن بگوید و شرکت دادن در فعالیتهای هنری و ایفای نقش در نمایشنامه ها از جمله اعمالی است که مهارتهای اجتماعی دانش آموزان و کودکان را افزایش می بخشد و آنان را در مبارزه با گوشه گیری یاری می دهد [۵]

با توجه به اطلاعاتی که از طریق مصاحبه با پدر و معلم مهسا بدست آوردم و همچنین مطالعه کتاب های روانشناسی تربیتی و مراجعه به اینترنت و مشورت با چند تن از مشاوران راه حل هایی که برای درمان گوشه گیری مفید بود به شرح ذیل لیست کردم:

۱. صحبت با مادر مهسا و تشویق او به دادن مسئولیت به مهسا در منزل. این بهترین و موثرترین راه برای حل مشکل مهسا بود.
۲. صحبت با پدر مهسا و اینکه او خودش را با واقعیت موجود وفق داده و برای زندگی مهسا از هیچ کوششی دریغ نرزد: به او احترام بگذارد، محبت کند، به درس هایش توجه کند، به خواسته هایش توجه کند، پای صحبت هایش بنشیند، با او در انجام امور منزل مشورت کند، مسئولیت بدهد، تشویق کند، با مدرسه در ارتباط باشد.
۳. صحبت با همکاران مدرسه؛ به او محبت کنند، مسئولیت بدهند، توجه داشته باشند. تشویق کنند، در کارهای گروهی مشارکت دهند.
۴. صحبت با معاونین آموزشی و پرورشی: حمایتهای عاطفی در جهت تقویت اعتماد به نفس دانش آموز، واگذاری مسولیت های مناسب با توجه بر میزان توان جسمی و روحی دانش آموز، تشویق و زمینه سازی حضور در فعالیت های جمعی و گروهی مانند انتظامات ، مراسم صبحگاهی، گروه سرود و نمایش و شورای دانش آموزی

یافته های علمی

مشارکت دانش آموزان در کلاس؛ از حرف تا عمل

مشارکت دانش آموزان در کلاس؛ از حرف تا عمل اساس و پایه فکری و شخصیتی هر فردی در سنین کودکی و نوجوانی شکل می گیرد و در این میان آموزه های مدرسه تأثیر فراوانی در شکل گیری معرفت انسان دارد. اگر تا دیروز تکیه آموزه های مدرسه بیشتر روی مهارت خواندن و نوشتن بوده اما امروز مهارتهای دیگر زندگی از جمله چگونه فکر کردن، مقابله با خطرها، فراگیری کامپیوتر و زبان و نیز به آن افزوده شده و دانش آموزان برای زندگی آینده خود نیاز به کسب این مهارتها دارند.

پیشرفت فناوری جامعه اکنون به نقطه ای رسیده است که انسان برای زندگی بهتر راهی جز فراگیری مهارتهای جدید ندارد و با توجه به سرعت تحولات، بی اعتنایی به این مسأله سالها پیشرفت و توسعه جامعه را کند خواهد کرد.

اگرچه گفته می‌شود که خانواده در تعلیم و تربیت کودک نقش بیشتری دارد اما به دلیل ناهمگونی آموزه‌های خانواده و متفاوت بودن امکانات، این تعالیم نمی‌تواند کودکان و نوجوانان را برای جامعه آینده آماده کند.

هرجامعه‌ای برای آموزش و تربیت نسل آینده، نظام آموزش و پرورش و تشکیلات دانشگاهها و علوم را تأسیس می‌کند تا کودکان و نوجوانان از آموزش و تربیت یکسان بهره‌مند شوند.

اصلاح و تغییر نظام آموزشی کشور به همان دلیلی که در این مقال گفته شد یک ضرورت انکارناپذیر است زیرا اکنون دیگر نمی‌توان با داشتن مهارت خواندن و نوشتن آموزش و پرورش سنتی، در جامعه آینده و حتی فعلی زندگی کرد [۶].

ایجاد تغییرات در نظام آموزشی همواره با مقاومت‌هایی در جوامع سنتی روبرو می‌شود و مشکلاتی نیز بوجود می‌آورد. این مقاومتها در بسیاری از مواقع حرکت اصلاحی را کند و حتی سد می‌کند.

زیرا بسیاری از برنامه‌ریزان و مجریان این ریسک را نمی‌پذیرند و خود را در مقابل تفکرات سنتی قرار نمی‌دهند. تفکرات سنتی در مقابل تغییرات و اصلاح از خود واکنش نشان می‌دهد و مخالفت در زمانی که طرح با شکست روبرو شود دو چندان می‌شود به همین دلیل تنها مدیران جسور چنین اقدام‌هایی می‌کنند. در سالهای اخیر چند طرح در آموزش و پرورش برای اصلاح امور آموزش و پرورش به اجرا در آمده که مقاومت‌هایی نیز در پی داشته است.

طرحهای آموزش و پرورش معمولاً توسط کارشناسان و معلمان طرح و تدوین و سپس برای ارزیابی و تحقیق به پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش ارسال می‌شود.

طرح ارزشیابی توصیفی (حذف نمره صفر تا ۲۰) از جمله طرحهایی است که پس از سه سال اجرای آزمایشی، مجدداً دو سال دیگر برای اجرای آزمایشی تمدید شده است اما همچنان آموزش و پرورش از طرحهای نوین برای ارتقا فرآیند آموزشی و پرورشی با کاستیهای روبرو است.

تدوین راهکارهایی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس و برنامه‌های درسی همواره از دغدغه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران برنامه‌ریزی آموزشی بوده و هست اما این مهم کمتر در برنامه‌ریزیهای این دستگاه مورد توجه قرار گرفته است. کتابهای درسی باید به گونه‌ای تدوین شود که در میان دانش‌آموزان پرسش ایجاد کند و معلمان نیز تربیت شوند که توانایی پاسخ به این پرسشها را داشته باشند.

ایجاد پرسش در دانش‌آموز و فراگیر، نخستین حرکت به سمت دانایی است و متأسفانه مدارس کشور کمتر به تحقیق و پژوهش اهمیت می‌دهند و دانش‌آموز این نظام نیز این رویه را تا پایان تحصیلات دانشگاهی نیز دنبال می‌کند.

برپایی کنفرانس و ارائه تحقیق و پژوهش در کلاسهای درس هنوز به شکل مداوم و مستمر در مدارس به اجرا در نمی‌آید و این مسأله تأثیرات بسیار منفی در پرورش ذهن خلاق فراگیر داشته است.

هنوز بسیاری از مدارس کشور، نمره درسی را براساس محفوظات در نظر می‌گیرند و دانش‌آموزی که بیشتر حفظ کند بهتر نمره می‌گیرد و در این شرایط هرگونه ابتکار و خلاقیت از فراگیر سلب می‌شود.

تحقیق و پژوهش در مدرسه به اندازه محفوظات درسی بهایی ندارد و در این شرایط دانش‌آموز مبتکر و پرسشگر با برچسبهای ناروا مجالی برای ابراز اندیشه‌های خود نمی‌یابد.

کاستیهای برنامه‌های درسی به گونه‌ای است که دانش‌آموز توانایی تحریر اندیشه‌های خود را ندارد و در این شرایط تمام ابتکارات و طرحهای فراگیر در ذهن او انباشته می‌شود بدون آنکه مجالی برای طرح بیابد.

دانش‌آموز برای بیان ایده‌ها و طرحهای خود نیاز به فراگیری چگونگی نگارش دارد اما زنگ انشا هنوز در مدارس به صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است.

امروزه شاخص سواد براساس تعریف یونسکو تغییر کرده و خواندن و نوشتن تنها سواد محسوب نمی‌شود بلکه افراد بدون آشنایی به کامپیوتر، اینترنت و زبان انگلیسی بی‌سواد محسوب می‌شوند.

هنوز پس از چندین دهه از بکارگیری کامپیوتر در مدارس کشورهای توسعه‌یافته، بسیاری از مدارس کشور فاقد این وسیله کارا و مؤثر است.

بسیاری از دانش آموزان هنوز چگونگی استفاده ابتدایی از رایانه را نمی دانند و درس و واحدی نیز در دوره های مختلف تحصیلی برای این منظور پیش بینی نشده است.

برای تولید دانایی، راهی جز حضور فعال دانش آموزان در ارایه مطالب درسی نیست و در این راه باید از دانش آموز مشورت خواست و آنها را در برنامه های مختلف آموزشی و پرورشی شرکت داد.

معلمان باید در کلاس درس از متکلم وحده بودن خارج شوند و نقش بیشتر به دانش آموزان در کلاس دهند و آنها را برای مطالعه کتابهای غیردرسی هم تشویق کنند.

انتخاب راه حل مناسب، اعتبار بخشی و اجرای راه حل

بهترین راه حل ممکن محبت کردن و دادن مسئولیت بود. لذا به افرادی که در تعلیم و تربیت مهسا ارتباط مسقیم داشتند، من جمله پدر، معاونت آموزشی، معاونت پرورشی، مربی ورزش توصیه شد به مهسا توجه بیشتری داشته و به او در عرصه های مختلف، مثل عضویت شورای مدرسه، بهداشت یار و انتظامات، مبصری، گروه سرود، نمایش، مشاوره در امور منزل و ...

موثر ترین فرد در زندگی مهسا و اینکه بیشترین تاثیر را می توانست در تعلیم و تربیت او داشته باشد، پدرش بود، لذا با او بطور مفصل در چندین جلسه صحبت شد و تاکید گردید. وقت بیشتری را در منزل برای او اختصاص دهد. سعی کند هر روز صبح ها تا جلوی درب مدرسه او را مشایعت کند، بعد از ظهرها زودتر به منزل برگردد، در انجام امور منزل با او مشورت کند. ارتباطش را با معلم مهسا بیشتر نموده و زمینه را برای ارتباط بیشتر او با دوستانش فراهم نماید.

شخص دومی که می توانست تاثیر زیادی در شخصیت مهسا داشته باشد و به او در حل مشکلات کمک کند من به عنوان معلم او بودم. را در کارهای گروهی درگیر کردم و به او مسئولیت دادم. همچنین محبت خود را از او دریغ نکردم. او را به عنوان نماینده کلاس انتخاب کردم. و به سایر دانش آموزان توصیه نمود که با مهسا دوست شده و او را در کارهای گروهی مشارکت دهند.

مهسا در انتظامات مدرسه به معاون آموزشی کمک می کرد و عضو گروه سرود هم بود.

اهم راهکارهای ارائه شده به شرح زیر می باشد:

- دادن مسئولیت توسط معاونت پرورشی، آموزشی و معلم کلاس
- توجه کردن به دانش آموز توسط معلم و مدیر و معاون آموزشی
- تشویق کردن در مناسبت های مختلف چه از نظر درسی و چه از نظر پرورشی
- بردن اردو و گردش های علمی
- شرکت پدرش در پیاده روی روز خانواده
- فراهم کردن زمینه مشارکت پدرش با مدرسه مانند تعمیر دستگا های فتوکپی و کامپیوتر

گرد آوری اطلاعات (شواهد ۲)

مشاهده:

چند مدت بود که رفتار مهسا را از نزدیک بطور غیر مستقیم زیر نظر داشتم. در کلاس که می رفتم می دیدم در بحث ها مشارکت دارد. اظهار نظر می کند. می خندد و خوشحال است. در حیاط دست درگردد دوستانش می اندازد و قدم می زند. او اجتماعی تر شده، سلام می کند. خوشحال است، دیگر سرش پایین و منزوی نیست. اگر کسی از اول او نمی شناخت متوجه نمی شد او واقعا مشکل داشته باشد. او در درس ها پیشرفت کرده بود.

مصاحبه با پدر مهسا (اردیبهشت ۹۸)

- حال مهسا چه طور است؟ وضعیت روحی و درسی او چگونه است؟

من نمی دانم که چگونه زحمات شما را جبران کنم، مهسا خیلی بهتر شده است هم از نظر درسی و هم از نظر روحی. این برنامه اردوی تهران شما در روحیه مهسا خیلی تاثیر خوبی داشت. من از وضعیت تحصیلی او راضی هستم.

-فکر می کنید کدام برنامه ی ما در رفتار او تاثیر بیشتری داشته است؟

-این مسئولیت هایی که به او داده بودید او را خیلی خوشحال می کرد. وقتی به خانه می آمد با خوشحالی می گفت: بابا امروز مبصر شده ام. یا اینکه من انتظامات هستم و ... این برنامه اردو هم خیلی خوب بود و در روحیه مهسا واقعا تاثیر مثبت گذاشت دست شما و خانم معلمش درد نکند.

مصاحبه با معاون مدرسه مهسا (اردیبهشت ۹۸)

-وضعیت تحصیلی مهسا نسبت اوایل سال بهتر شده و از نظر روحی هم خیلی بهتر شده. دیگه آن حالت گوشه گیری که داشت ندارد. با بچه ها می جوشد، در کلاس سر حال است. در کارهای گروهی مشارکت دارد. در بین امتحانات جشن تولد گرفته و دوستانش را دعوت کرده است. - به نظر من، اینکه او از آن حالت گوشه گیری که در اوایل سال داشت به این مرحله رسیده است که دوستانش را به جشن تولد دعوت می کند و در روابط اجتماعی اش پیشرفت کرده است - در مجموع من از وضعیت مهسا راضی هستم.

راهکار برای تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان

در اینجا به چند عامل بسیار مهم برای پرورش و تقویت حس اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان اشاره می کنیم.
 (۱) همواره سعی کنید که در برخورد با کودکان و نوجوانان توانمندی های آنها را مدنظر قرار دهید، نه ضعفها و ناتوانی ها را؛ لازم است پیوسته با دید و بازخورد مثبت و سازنده به آنان نگریت. هر گونه احساس و نگرشی که ما نسبت به کودکان و نوجوانان داریم، بدون شک در رفتار فی مابین تاثیر به سزایی خواهد داشت. اگر احساس و نگرش ما نسبت به کودک مملو از ضعف و درماندگی او باشد، به رفتارهایی مانند بی رغبتی و بی توجهی نسبت به او، یا حمایت بیش از حد از وی منجر خواهد شد، که در هر دو صورت کودک نمی تواند از حس ارزشمندی و اعتماد به نفس لازم برخوردار باشد. وجود نگرش منفی نه تنها تاثیر سوء و یا بازدارنده روی کودک خواهد گذاشت بلکه صاحبان چنین اندیشه ها و نگرش هایی خود را نیز در پس دیوارهای از برداشته های آزاردهنده و ویرانگر محبوس کرده، از خلاقیتها و ابتکار عمل، نشاط و سرزندگی و بالاتر از همه امید، توکل و تحرک باز می دارند.

(۲) برای نوجوانان و جوانان تجارب خوشایندی از فعالیت های مستقل و آزاد فراهم کنید: به آنها فرصت دهید تا با فعالیت های مستقل، احساس مسوولیت و مراقبت از خویشتن را بیابند. برای این کار ایجاد انگیزه های لازم برای تحرک و فعالیت های داوطلبانه بسیار اهمیت دارد. اغلب نوجوانان با انگیزه های محیطی به فعالیت افتاده و با رضامندی و احساس خوشایند درونی پیشرفت می کنند. بدیهی است که فعالیت های مستقل و آزاد در زمینه انجام کارهای روزانه از نظارت مستمر و گاهی هدایت، ارشاد و تشویق خانواده بی نیاز خواهد بود. اما آنچه مهم است این که نظارت بزرگسالان، به معنای دخالت مدام ایشان در فعالیتها و امور نوجوانان نیست. نباید در همه کارهای آنان دخالت کرده، به جای اینکه ابتکار عمل به دست نوجوانان باشد، آنها را به عناصر منفعل و غیرفعال تبدیل سازیم.

(۳) تجارب موفقیت آمیز کودکان و نوجوانان را افزایش دهید: یکی از مهم ترین عوامل ایجاد و تقویت حس اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، به ویژه نوجوانان کم رو و یا ناموفق، فراوانی موفقیت های آنها در انجام فعالیت های متعدد است. به عبارت دیگر، لازم است برنامه های آموزشی و فعالیت هایی که برای آنها پیش بینی می شود، به گونه ای تهیه و تنظیم شود که با سعی و تلاش که از خود نشان می دهند موفق به انجام آنها بشوند. آنچه در این ارتباط بسیار مهم و قابل توجه است، این که تلاش افراد هدفمند و جهت دار باشد، یعنی کسب هر گونه موفقیت باید در سایه تلاش انجام پذیرد، تا آنها احساس خوشایندی از دقت و تلاش داشته باشند. بدیهی است، این انتظار که همه فعالیتها و تلاشها بدون استثنا به موفقیت منجر شود، همواره نمی تواند امری طبیعی و ایده آل باشد بلکه توقع معقول آن است که با توجه به شرایط ذهنی و روانی افراد برنامه های آموزشی و تربیتی خاص نوجوانان و جوانان به گونه ای تنظیم شود که در غالب موارد آنها با تلاش مستمر خود به نتیجه مطلوب دست یابند.

بی‌تردید در غیر این صورت، یعنی وقوع شکست‌ها و ناکامی‌های پیاپی به دلیل کم‌رویی و یا دشواری تکالیف ارایه شده و بالطبع دلسردی‌ها و دلزدگی‌های مستمر، نوجوان حس کارایی و ارزشمندی خود را از دست داده، احساس بی‌کفایتی بر او مستولی می‌شود، اعتماد به نفس وی نیز به حداقل می‌رسد. اولیا و مربیان باید به یاد داشته باشند که آنچه در رشد و پیشرفت این قبیل افراد، مهم و حائز اهمیت است، مساله انگیزه و تلاش آنهاست و نه صرف نتایج حاصل از آن. همه افراد به ویژه نوجوانان و جوانان کم‌رو در فعالیت‌ها و تلاش‌هایشان به تشویق و ترغیب نیاز دارند. موفقیت‌های ایشان در انجام مهارت‌های متعدد موجب تقویت انگیزه و رغبت آنها برای تلاش بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر، تجارب موفق انگیزه، جرأت، تلاش، پشتکار و اعتماد به نفس آنها را تقویت می‌کند.

۴) قدرت تحمل کودکان و نوجوانان را برای مواجه شدن با ناکامی‌های احتمالی افزایش دهید: بدون تردید، با وجود همه تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های مناسب، فردی که دارای اعتماد به نفس ضعیف است و یا از توان ذهنی مطلوب و مهارت‌های لازم اجتماعی برخوردار نیست، در زندگی خانوادگی، آموزشی و اجتماعی به دلایل گوناگون در انجام فعالیت‌های متنوع گاهی با تجارب ناخوشایندی از ناکامی‌ها و شکست‌ها مواجه خواهد شد. والدین و مربیان باید از این قبیل تجارب در ظاهر ناخوشایند برای او نیز نهایت حسن استفاده را بکنند و با تشویق و ترغیب جوانان به سعی و تلاش دوباره، مساله ناکامی او را به سکوی پرش و جهشی تازه تبدیل کنند. گاه تجربه شکست و ناکامی در بعضی از افراد انگیزه‌ای قوی‌تر و غنی‌تر برای کوشش و ادامه کار به وجود می‌آورد. آنچه در این مورد فوق‌العاده مهم است، چگونگی نگرش و تلقی ما از تجربه شکست یا عدم موفقیت نوجوان در انجام کار است.

۵) رفتار مصمم و مطمئن و در عین حال مطلوب کودکان و نوجوانان را تقویت کنید: ترغیب و تقویت رفتار کلامی و غیر کلامی مطمئن کودک یا نوجوانی که دچار کم‌رویی و یا ضعف شخصیت است، اعتماد به نفس او را بیشتر خواهد کرد. وجود چنین رفتارها و مهارت‌هایی در نوجوان و جوان برای استحکام شخصیت و امنیت خاطر او به خصوص در هنگام مواجهه با افرادی که فاقد حسن‌نیت کافی هستند، فوق‌العاده ارزشمند است. رفتار مطمئن، مصمم و مستدل فرد می‌تواند در زمینه‌های متنوعی قابل مشاهده باشد. این‌گونه رفتارهای مصمم و مطمئن، استدلالی و مسوولانه، حس ارزشمندی و اعتماد به نفس شخص را تقویت می‌کند. بدیهی است همان‌گونه که ذکر شد، باید توجه داشت که این رفتارها پرخاشگرانه و یا از روی لجاجت نبوده، موجب بی‌احترامی به دیگران و یا رنجش خاطر آنها نشود.

۶) کودکان و نوجوانان را در کنترل احساسات و عواطف خود یاری کنید: کودکان و نوجوانان کم‌رو گاه با شرایط و فعالیت‌هایی مواجه می‌شوند که به شدت آنها را متاثر می‌سازد. در چنین مواقعی کنترل عواطف و خویشتن‌داری برای مقابله با مساله‌ای که با آن روبه‌رو هستند بسیار مهم است. بدیهی است در این شرایط نظارت و راهنمایی بزرگسالان به طور کامل ضروری خواهد بود.

۷) مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان را تقویت کنید: توان برقراری و حفظ ارتباط مثبت با دیگران موجب افزایش احساس ارزشمندی اجتماعی و بالطبع اعتماد به نفس کودکان و نوجوانان می‌شود. والدین و به‌خصوص مربیان مدارس باید کوشش کنند که کودکان و نوجوانان کم‌رو و ضعیف با تعداد قابل‌توجهی از هم‌سالان و هم‌کلاسی‌های خود مأنوس شده، رابطه دوستانه و متقابل برقرار کنند. برقراری و حفظ چنین ارتباط دوستانه‌ای، برای رشد و شکوفایی شخصیت و نشاط و سرزندگی این نوجوانان امری به طور کامل ضروری است. اهمیت کسب این نوع مهارت‌های اجتماعی نه تنها کمتر از کسب مهارت‌های تحصیلی نیست بلکه نوجوان برای حفظ این ارتباطات دوستانه، انگیزه بیشتری برای سخن گفتن، تلفن زدن و یا نوشتن نامه‌های ساده، در مواقعی که برای مدتی دوستان خود را نمی‌بینند، پیدا می‌کند. در اینجا نیز والدین و مربیان ضمن تشویق و ترغیب کودک یا نوجوان کم‌رو و فاقد اعتماد به نفس لازم برای برقراری روابط دوستانه با دیگر هم‌کلاسان خود، در مواقع و شرایط مقتضی، ارزش دوست، ویژگی‌های یک دوست خوب و معیارهای دوست‌یابی را به زبان ساده برای وی بیان خواهند داشت.

۸) کودکان و نوجوانان را با الگوهای رفتاری مطلوب آشنا کنید: همه ما به الگوهای رفتاری نیاز داریم. از نظر تعلیم و تربیت، مدل‌ها و الگوهای رفتاری از نقش و اهمیت به سزایی برخوردار هستند. وجود الگوهای رفتاری در انسان، انگیزه رشد، حرکت و تعالی وجود ایجاد کرده، موجب شکوفا شدن ابعاد متعدد شخصیت می‌شود. به‌طور کلی، انسان در هر موقعیت و درجه‌ای از رشد که باشد باز هم نیازمند به الگوها و اسوه‌های رفتاری است. وجود افراد موفق و متنفذ در زندگی انسان‌ها، بالاخص کودکان و نوجوانان برای رشد و تعالی شخصیت آنها بسیار مهم است، به‌خصوص زمانی که آنها با چنین الگوهایی ارتباط متقابل داشته باشند. بدون شک نقش برخی از الگوهای رفتاری خاص در حیات و سرزندگی و تلاش انسان فوق‌العاده محسوس است. وجود الگوهای رفتاری، امید، تلاش و اعتماد به نفس انسان را بیشتر می‌کند. اگر افرادی که فاقد اعتماد به نفس هستند و بیش از همه به الگوهای رفتاری نیاز دارند با بعضی از هم‌سالان خود و یا اشخاصی که از توفیقات اجتماعی بیشتری برخوردارند، آشنا و مأنوس شوند، تصویر روشنی از آینده و مشی زندگی امیدوارکننده خود می‌توانند داشته باشند. این تصویر عینی و ذهنی می‌تواند به کوشش و تلاش‌های آنها جهت و سرعت مطلوب بخشیده، بر حس ارزشمندی، کارایی و اعتماد به نفسشان بیفزاید. بنابراین، ترغیب و تشویق نوجوان، مأنوس کردن او با الگوهای رفتاری موفق، تقویت مهارت‌های اجتماعی وی و اجتناب از هرگونه رفتار تنبیهی و تحقیرآمیز، موجب می‌شود که او با انگیزه بیشتر و اعتماد به نفس قویتر به تلاش‌های هدفمند خود ادامه دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که مهسا دانش آموز کلاس چهارم بود که مشکل او گوشه‌گیری و انزوا طلبی و عدم مشارکت در فعالیت‌های گروهی بود که ناشی از مشکل جسمی او بود. با تاکید بر روشهای علمی و مشاوره با افراد اهل فن و متخصص تعلیم و تربیت، همکاری و مشارکت معلم و پدرش به حول قوه الهی حل شد. توجه کردن، دادن مسئولیت، محبت کردن، مشارکت دادن در امور منزل و مدرسه از جمله اقدامات موثری بود که به مهسا کمک کرد تا در شرایط عادی مانند سایر دانش آموزان به زندگی خود ادامه دهد. و بتواند با مشکل عدم مهر مادری کنار بیاید و خود را با زندگی موجود وفق دهد. بی‌توجهی به مسائل روانی و رفتاری گاه مشکلات عدیده‌ای را برای آنان بوجود خواهد آورد که ناتوانی‌های حرکتی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مس‌اثل جایگاه خاصی را در توان بخشی یک کودک معلول بخود اختصاص می‌دهد. میزان خدمات و تلاش‌هایی که برای درمان به کار گرفته می‌شود به ماهیت مشکلات و توانمندی‌های فرد یا کودک بستگی دارد. در سال تحصیلی اخیر بنده با همچنین مشکلی برخورد کردم. که به خاطر مشکل جسمی دانش آموزم مهسا اعتماد به نفس پایینی داشت و در فعالیت‌های کلاسی شرکت نمی‌کرد و منزوی و گوشه‌گیر شده بود و دچار افت تحصیلی شده بود. بنا بر این سعی کردم مشکل اعتماد به نفس و عدم مشارکت در فعالیت‌های کلاسی و گوشه‌گیری وی را حل کنم. و باعث پیشرفت درسی وی شوم.

پیشنهادات

در پایان چند توصیه به آموزگاران محترم دارم:

- دادن مسئولیت بهترین گزینه برای حل مشکل دانش آموزان با اعتماد به نفس پایین می‌باشد
- تشویق کردن می‌تواند اعتماد بنفس آنها را افزایش دهد.
- برگزاری گردش‌های علمی و اردو‌ها به منظور تعامل با سایر دانش آموزان بسیار مفید است.
- فراهم کردن زمینه برای ارائه گزارش و سخنرانی پیرامون مسائل درسی و کارگاهی توسط این چنین دانش آموزان برای بر طرف کردن مشکل گوشه‌گیری آنان مفید است.
- در س هنر فرصت خوبی است تا در پایان فعالیت هنری به نقد هنری و خود ارزیابی پرداخته شود و مجال نقد و ارزیابی به آنها داده شود.
- شناخت، پیش مقدمه انجام هر اقدامی می‌باشد. لذا توصیه می‌گردد که معلمان عزیز از همان روزهای اول سال تحصیلی با کمک مسئولین مدرسه، اولیا نسبت به شناخت کامل دانش آموزان اقدام کنند.

- دانش و آگاهی نسبت به مسائل تربیتی و آموزشی ابزار موفقیت معلم می باشد. مطالعه کتب روانشناسی تربیتی و روشهای تدریس باید به یک عادت برای معلمان تبدیل شود.

- از شتابزدگی و هرگونه اقدامی قبل از آگاهی خودداری گردد. برخورد نامناسب مانند تجویز داروی نامناسب می باشد که گاهی اوقات خسرات جبران ناپذیری به بار می آورد و برای برگشت به نقطه اول هیچ راهی وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- ۱- سیف الهی، وجی الله، راهنمای اقدام پژوهی، انتشارات گیلان، ۱۳۸۷
- ۲- اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانان و جوانان، چاپ دوم نشر ساوالان، تهران، سال ۱۳۸۱
- ۳- نوایی نژاد، شکوه: رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و راههای پیشگیری و درمان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان ۱۳۷۲
- ۴- اصغری پور، حمید - اصغری پور، نگار و فضلی خوانی، منوچهر، ۱۳۸۳، مشاوره با دانش آموزان در مدارس، مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
- ۵- حسینی بیرجندی، سید مهدی، ۳۸۴، اصول و روشهای راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات رشد
- ۶- عزت پور، نازی، گوشه گیری و درمان آن (بر خط)